

درباره آیت...مدنی که امروز **چهل و دومین سالروز شهادتش است مبارزی در محراب**



کمال سیستمانی! اهل آذربایجان شرقی بود به سال ۱۲۹۲ خورشیدی، یکی از مردان خدا که در محراب عبادت به شهادت رسید تا تقویم مناسبتی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ با یک عبارت جاودانه شود: «شهادت آیت...سیداسدا... مدنی، دومین شهید محراب». او یکی از بزرگانی است که پس از گذراندن دروس مقدماتی، چهار سالی را در جایگاه شاگردی امام خمینی، فقه و اصول آموخت و سپس راهی نجف اشرف شد تا در آنجانبز همنشین کلمات حضراتی چون سیدابوالحسن اصفهانی، سیدعبدالهادی شیرازی، سیدمحسن حکیم و سیدابوالقاسم خویی باشد.

● روزهای مبارزه

برابر اسناد باقی مانده، سال ها پیش از آغاز فعالیت‌های مبارزاتی علیه حکومت وقت، مقابل افکار ضددینی «کسروی»، سینه سپر می کند و راه روشنگری مردم را پیش می گیرد و در ادامه نیز با شهید نواب صفوی همکاری می کند. همچنین برابر اسناد، وی نخستین کسی است که در نجف به امام خمینی می پیوندد و با تعطیل کردن کلاس‌های خوددر نجف وتشکیل مجالس سخنرانی، در مسیر افشای ماهیت حکومت وقت گام برمی دارد.

سال ۱۲۵۰ آیت...مدنی به خواست امام خمینی برای تدریس علوم دینی به خرم‌آباد می رود و بانی ساخت حوزه علمیه در این شهر می شود، ولی چندی بعد به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی علیه حکومت وقت، برای سه سال به شهرهای مختلف تبعید می شود که پس از پایان این مدت، راهی قم شده، رحل اقامت در این شهر پهن می کند.

روایت است در روزگاری که کسی جرئت رویارویی با طاغوت را نداشته، «سیداسدا...» یک‌تنه در برابر بیداد ایستادگی می کند و از پای نمی نشیند و همین موضوع، سبب دستگیری چندباره اش به دست ساواک می شود. عوامل رژیم در ادامه، او را به همدان تبعید می کنند تا به خیال خودشان منزوی اش کنند، اما این کد سبب شهرت بیشترش می شود، برای نمونه پس از تبعید به همدان، به روستای «مرادبیک» این شهر می رود و تلاش می کند با روشنگری دینی، مردم را آگاه کند که تبلیغ برای حجاب اسلامی و منع فروش مشروبات الکلی، ازجمله این روشنگری هاست. در خاطرات او آمده است: «من دیدم باید همدان را حرکت بدهم. از یک ده، کار را شروع کردم تا مردم ببینند، بعد گرایش پیدا کنند». در بهمن ۱۲۵۷ آیت...مدنی، رهبریک اتفاق بزرگ می شود،اتفاقی که از ریختن خون مردم بی گناه جلوگیری می کند. روایت است که وقتی رژیم خود را در آستانه سقوط می بیند، برای سرکوبی مردم، لشکر زرهی ارتش را از کرمانشاه به سمت تهران حرکت می دهد تا در روز ۲۲ بهمن، مردم را به خاک و خون بکشد، ارتشی که کسی جرئت ایستادگی دربرابر آن را نداشت.

آیتا...مدنی با شنیدن خبر، فرمان تجمع پیش روی تانک ها را می دهد و از مردم می خواهد که در مسیر عبور آن ها قرار بگیرند و با تشکیل دیواره انسانی، مانع حرکتشان شوند. می گویند پس از این درخواست، مردم در جاده کرمانشاه-همدان روی زمین دراز می کشند و به تانک ها اجازه عبور نمی دهند. پس از این، دومین شهید محراب با صدایی رسا، فرمانده یگان و کادر ارتش را نصیحت می کند که دست از کشتار مردم بردارند. کلام وی مؤثر می افتد و ارتشی که می رفت تا همه چیز را به نفع رژیم تمام کند، بدون درگیری سلاح زمین می گذارد و تسلیم می شود.

● درمحراب شهادت



یکی از اعضای تیم حفاظتی آیتا...مدنی، چند سال پیش در مصاحبه‌ای، روز ترور و شهادت او را این طور روایت کرده است: «روز شهادت با ایشان بودم. خاطرم هست که بینمان گفت‌وگویی شکل گرفت و من در آن به موضوع نفاق اشاره کردم؛ زیرا چند وقت قبل ترش، محراب را در میدان راه‌آهن تبریز که نمازجمعه در آنجا برگزار می شد، آتش زده بودند و مردم برای اقامه نماز خیلی به زحمت افتاده بودند؛ چون مثل حالانیود که اتوبوس در همه جای شهر آماده باشد و مردم را جمع کند و به نمازجمعه ببرد. مردم از تمام نقاط شهر، پیاده یا با وسایل شخصی خودشان، بلند می شدند و به راه آهن که در چهارده پانزده کیلومتری شهر بود، می رفتند. خیلی زحمت داشت، چون این طور بود. آن روز به ایشان گفتم محل برگزاری نماز را به خیابان جمهوری اسلامی، سه راهی شریعتی و راسته کوچه آورده اند و باید به آنجا برویم و ایشان پذیرفتند. هنگام اقامه نماز، من همراه باقی اعضای تیم محافظ در صف دوم، پشت سر آقا بودیم. بین الصلااتین بود، حاج آقا بلند شدند که نماز را اعاده نکنم. اگر اشتباه نکنم، رکعت دوم بود. همه نشسته بودیم. دیدیم فردی که در صف های عقب نشسته بود، آمد صف اول، نیم خیز نشست. من این صحنه را ندیدم، ولی دوستان دیده بودند، البته دیدیم که یک نفر از جا بلند شد و با سرعت به طرف آقا رفت و محکم ایشان را بغل گرفت. همه از جا بلند شدیم و به طرف آن ها دویدیم. مسئول حفاظت آقا، بی سیم های قدیمی را که سنگین هم بود، چندبار توی سر فرد انتحارکننده زد. ولی او آقا را رها نکرد و بلافاصله و پشت سر هم، صدای سه انفجار آمد و بعد، آقا و آن مرد منافق روی زمین افتادند.

اول این انفجارها، روی آقا صورت گرفت و ما دیدیم که تکه های عبا، قبا و گوشت بدنشان روی سر ما بارید. یکی از دوستان آن لحظه یک تکه از بدن آقا را برداشت و همان لحظه از حال رفت که بعد هفمیدیم سکنه کرده و به کما رفته است. خاطرم هست پزشکان به سختی توانستند دست او را باز کنند و آن تکه از بدن آقا را برای دفن به بقیه تکه پاره های بدن ایشان ملحق کنند».

شهریار

۲۳شنبه
۲۰ شهریور ۱۴۰۲
۲۵ مهر ۱۴۲۵
۲۰۳۳ شمسن

۱۵



تاریخ و هویت



عکس جوازگوشا شهریار

چهارسوی نوغان و حتی تخت امام رضا^(ع) نوغان نیز در این نقشه نیست و این یعنی که او در این نقشه محل بناهای مهم شهر و آثار مهم فرهنگی و اجتماعی مهم آن را ثبت نکرده است. اما از این موضوع که بگذریم، باید بگوییم مهم ترین بنای کوچه پنجه تا اواسط دوران ناصری، یعنی هنگام ترسیم نقشه دالمج، «تکیه میرزاجانی» بوده است که در محل تقاطع این کوچه و کوچه حوض نو، یعنی درست در مکان کنونی حسینیه قماش فروش های مشهد، قرار داشته است. همچنین کوچه پنجه در آن زمان، دارای یک فرعی بن بست بوده و از طریق کوچه های حوض نو، چهارباغ و شوکت الدوله به سایر نقاط شهری راه پیدا می کرده است. ساخت خانه موسوم به کوزه کنانی، روبه روی تکیه میرزاجانی، را نیز باید مهم ترین تغییر ساختاری این کوچه در سال های پایانی حکومت قاجارها بر ایران دانست.



خانه تاریخی کوزه کنانی

دیگر تغییر مهم کوچه پنجه در این بازه زمانی، جابه جایی سنگ پنجه بوده است که اوایل سال ۷۹ودر جریان تعریض کوچه رقم می خورد. در این ماجرا، سنگ پنجه در مکانی عقب تر از محل اولیه خود، نصب می شود. همچنین در این دوره جهت کوچه از جنوبی شمالی به غربی شرقی، اندکی باژتر می شود. سرانجام نیز در همین روزگار، بخشی از حیاط خانه اولیه کوزه کنانی که وسعتی بسیار بیشتر از حالا داشته، تخریب و به جای آن با نظارت مرحوم آیت ا... سیدجلال الدین حسینی، «سجادهیه کوتی‌های مشهد»، ساخته می شود که اکنون در مجاورت خانه کوزه کنانی قرار دارد.

کوچه پنجه در نیمه دوم سده چهاردهم

کوچه پنجه برخلاف نیمه نخست سده گذشته، در نیمه دوم شاهد تغییرات بسیاری است که البته همه آن ها مربوط به تغییر کاربری بناهاست. در یکی از این تغییرات بزرگ، بنای دونبش شرقی این کوچه و کوچه شوکت الدوله، به «مسجد و حسینیه کاشمیری ها» در مشهد تبدیل می شود. بنای مجاور حسینیه را هم اندکی قبل یعنی در سال ۱۳۴۹، مرحوم آیتا... حاج سیدحسن موسویان به مدرسه علمیه موسی بن جعفر^(ع) تبدیل می کند تا بدین گونه نخستین مدرسه کوچه هم ساخته شود.

درباره «کوچه پنجه» که به روایتی امام رضا^(ع) در آن قدم زده است

کوچه‌ای یادگار پنجه خورشید

رضا سلیمان نوری| سخن از مشهد و امام رضا^(ع) که می شود، نخستین تصویری که توی ذهن می نشیند، گنبد و گلدسته طلا و حریم حرم مطهر رضوی است که مرقد مطهر امام ثامن^(ع) را چون نگینی دربر گرفته است. اما در مشهد، جز حریم حرم و نگین زیبایی وسط آن، مکان های دیگری هم هستند که عطر حضور حضرت رضا^(ع) را دارند؛ این مکان ها اگرچه انگشت شمار هستند و وسعتشان اندک، هر کدام جایگاه ویژه ای در منظومه فکری و مذهبی مشهدی های قدیم دارند. یکی از این مکان ها که در محدوده محله قدیم چهارباغ، درست در تقاطع دو کوچه قرار گرفته است، در برگیرنده اثر انگشت هایی است که در روایت ها، جای دست مبارک حضرت است و به همین دلیل این راسته را به «کوچه پنجه، معروف کرده است. در سطرهای بعدی روزگار از سر گذشته این کوچه را با هم مرور می کنیم.

کوچه پنجه، پیش از سده معاصر

نصب سنگی که ردی مشابه پنجه دست انسان روی آن قابل رویت است، در بخشی از کوچه پنجه محله چهارباغ، نشان از قدمت عبور انسان از این محدوده دارد. منتسب بودن این اثر پنجه دست انسان به حضرت ثامن^(ع)، بازگوکننده قدمت تاریخی این محدوده مشهد است، قدمتی که دست کم از دوران صفوی به این سو، روایت مکتوب دارد و بارها به وجود سنگ پنجه امام رضا^(ع) در دیوار «کوچه پنجه» محله چهارباغ مشهد در متون مختلف، اشاره شده است. این اشارات فقط در متون مکتوب است و هرچند فردی چون اعتمادالسلطنه نیز در مطلع الشمس به وجود این سنگ منتسب اشاره کرده است، در هیچ کدام از نقشه های دوره قاجار ردی از آن نیست. مشخص نشدن این اثر در نقشه هایی چون «خانیکوف» و «مگ گرگور»، که نظامی هستند، کاملاً پذیرفتنی است، اما ثبت نشدن مکان این سنگ در نقشه دالمج، سؤال برانگیز است، البته این پرسش با اندکی تأمل در گذشته مشهد و مکان های ثبت شده روی این نقشه، پاسخ داده می شود؛ زیرا در این نقشه فقط به بناهای مهم شهر پرداخته شده است و به طور مثال اثری از سنگ معروف به محک

کوچه پنجه در سال های نخست سده چهاردهم

کوچه پنجه در سال های نخست سده چهاردهم، نسبت به سال های پایانی سده قبلش، تغییر چندان بزرگی به خود نمی بیند و تنها در این دوره (سده چهاردهم خورشیدی)، ساخت حمام ماه در محل تقاطع این کوچه و کوچه شوکت الدوله، باعث رونق بخش انتهایی کوچه می شود. همچنین تکیه میرزاجانی را -که پس از دوران مشروطه کمتر به آن توجه شده بود- پارچه فروشان مشهد به طور موقت احیا می کنند. ایجاد خیابان های خاکی آن زمان و آیتا... خزعلی کنونی و خسروی نو آن زمان و اندرزگوی کنونی در دهه های بعد، باعث تغییرات ساختاری مهمی در این کوچه می شود و در دوره ای از زمان، بخش درخورتوجهی از توانمندان اقتصادی مشهد در این کوچه مستقر می شوند. تبدیل خانه کوزه کنانی به محل کنسولگری آمریکا در مشهد، از دیگر دلایل توجه اقشار تحصیل کرده شهر به این کوچه و اقامت در آن است. ناگفته نماند که در سال های اشغال مشهد توسط قوای ارتش سرخ شوروی سابق، در نیمه نخست دهه ۲۰ قرن چهاردهم، بخش انتهایی کوچه یعنی محل تقاطع کوچه پنجه با کوچه شوکت الدوله که هنوز تا حد زیادی حالت خانه باغی داشت، به محل اسکان تعداد چشمگیری از مهاجران جنگ جهانی دوم تبدیل شده بود. بخشی از این مهاجران پس از خروج نیروهای متفقین از مشهد، نیز در آن محدوده ساکن بودند و به دلیل تنید نداشتن دینی آن ها، قدیمی های چهارباغ از رفت وامد فرزندان خود به آن محدوده جلوگیری می کردند.



فضای کوچه پنجه

کوچه پنجه در یک نگاه

محدوده جغرافیایی:

منطقه ثامن

وجه تسمیه کوچه:

اثر یک دست که روایت ها آن را منسوب به دست مبارک حضرت رضا(ع) می دانند.

بزرگان و نامداران کوچه:

خاندان های کوزه کنانی، شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی، سوهانگر، نیک طبع،

احمدزاده هروی، افشار گلابگیر، فارسیان، مقیم آستان قدس و عنبر سوز.

وضعیت کنونی کوچه پنجه

کوچه پنجه از معدود گذرهای اطراف حرم مطهر امام هشتم^(ع) است که باتوجه به تغییرات رخ داده بسیار در بافت اطراف حرم رضوی، نه تنها کوتاه و کوچک نشد، بلکه با پیوستن بخش انتهایی کوچه حاج محمود هراتی به آن، بزرگ تر نیز شد. این بخش اکنون فرعی شماره ۴ کوچه پنجه شناخته می شود. محور شرقی کوچه اکنون به ترتیب میزبان مسجد و حسینیه کاشمیری های مقیم مشهد یا وکیلی، مدرسه علمیه بازسازی شده موسی بن جعفر^(ع)، بخش انتهایی مجموعه فرهنگی قائم در کوچه میرعلم خان و بالاخره خانه تاریخی درحال بازسازی سوهانگر که متعلق به دوره پهلوی اول است. در بخش جنوبی کوچه هم بنای جدید مدرسه سلیمانیه، حسینیه و زائرسرای حضرت ثامن الحجج^(ع) و موقوفه آیتا... حاج سیدجلیل الدین حسینی قامت افراشته اند و سرانجام در تقاطع مشترک این کوچه و کوچه حوض نو یا شهیدیکانه، حسینیه قماش کنونی و میرزاجانی سابق قرار دارد. در نقشه های اینترنتی کنونی، کوچه ای باریک بین بنای جدید مدرسه سلیمانیه و زائرسرای حضرت ثامن الحجج^(ع) دیده می شود که دراصل مسیر دسترسی اختصاصی دو سوی مدرسه است.

اما مسیر غربی کوچه پنجه با حمام ماه شروع می شود و پس از آن تا نخستین فرعی، شش پلاک مسکونی به چشم می آید. در کوچه پنجه ۲ یا شهید عدنان نجفی، سه پلاک مسکونی و دو مجتمع اقامتی و البته دو پلاک تخریب شده (یکی در ابتدا و دیگری در انتهای کوچه) قرار دارد. پلاک تخریبی انتهای کوچه که خانه ای قاجاری بود، تا اواسط دهه ۹۰ با کاربری حسینیه رسول اکرم^(ص) تهرانی ها فعالیت می کرد. سنگ پنجه بر دیوار و دارالامان الحسین^(ع) که نوعی زائرسرای خانوادگی است، هم از شاخصه های بخش شمالی کوچه است.

موقعیت کوچه پنجه بر روی نقشه فاجاری دالمج